

## مرتب‌سازی سیاسی و سیاست‌های تاریخ‌گذشته

فهرست بلند موفقیت‌های دولت کوتاه سیزدهم سندی گویاست که ثابت می‌کند مسیر پیشرفت و توسعه ایران بدون توجه به تحریم‌ها و با فرض دائمی بودن آنها بسیار دست‌یافتنی و واقع‌بینانه‌تر از مسیری است که در آن چشم به دستان غرب دوخته‌اند و به میز مذاکرات و توافق با آمریکا امید بسته‌اند.

به گزارش سایت خبری پرسون، سید محمد‌عماد اعرابی در یادداشتی نوشت: «تاریخ»، معلم خوبی است به شرط آنکه ما هم شاگرد خوبی برای آن باشیم و از درس‌هایش عبرت بگیریم. در غیر این صورت «تاریخ» تنها رویدادهایی بعضاً مشابه است که در گذر زمان به شکلی متناوب و کسالت‌بار تکرار می‌شود. این روزها که تنور انتخابات ریاست جمهوری داغ است ما هم می‌خواهیم از انتخابات ریاست جمهوری صحبت کنیم اما در سال ۱۳۹۲.

۷ ژوئن ۲۰۱۳ (۱۷ خرداد ۱۳۹۲) مناظرات انتخاباتی نامزدهای ریاست‌جمهوری ایران در ساختمان شیشه‌ای رسانه ملی؛ بینندگان ویژه‌ای فرسنگ‌ها آن طرف‌تر در واشنگتن داشت. «هیلاری کلینتون»، وزیر خارجه وقت آمریکا یکی از این بینندگان بود که علی‌رغم اختلاف زمانی بسیار میان تهران و واشنگتن نه‌تنها به تماشای این برنامه نشست بلکه روز بعد، متن کامل گزارش آن مناظره را در دفتر کارش مرور کرد.

مناظره ۷ ژوئن ۲۰۱۳ (۱۷ خرداد ۱۳۹۲) یک خصوصیت قابل توجه برای مقامات آمریکایی داشت و آن اینکه برای اولین بار سیاست کلان جمهوری اسلامی در حوزه هسته‌ای میان چهره‌های برجسته سیاسی و صاحب نفوذ ایران در مقابل چشم میلیون‌ها بیننده مورد مناقشه اساسی قرار می‌گرفت. نقدهای بی‌رحمانه نامزدهای مخالف، تقریباً یک درون‌مایه مشترک داشت که «مقاومت مقامات وقت ایران در برابر زیاده‌خواهی‌های طرف غربی را سرزنش می‌کرد». یکی از جملات مورد توجه آن برنامه از نظر «هیلاری کلینتون» صحبت‌های «حسن روحانی» بود؛ آنجا که گفت: «همه مشکلات ما از همین [مقاومت] ناشی می‌شود. خوب است که سانتریفیوژهای ما بچرخد، اما به شرط آنکه چرخ زندگی و معاش مردم هم بچرخد». این شاید اولین نشانه‌ها از سیاست خسارت‌بار دولت آقای روحانی در شرطی‌سازی اقتصاد کشور بود.

آقای روحانی در یک خطای راهبردی نه تنها سفره میلیون‌ها ایرانی را روی میز مذاکرات پهن کرد بلکه در خطایی سهمگین‌تر با بالا بردن پرچم سفید و عقب‌گرد عجولانه از سیاست‌های هسته‌ای، این پیام را به طرف‌های آمریکایی مخابره کرد که «تحریم»، «ابزاری کارآمد» در دست آنهاست. ناگفته پیداست هیچ ژنرالی جنگ‌افزار کارآمدش را کنار نمی‌گذارد و بنابر این افزایش چند برابری تحریم‌ها در دولت آقای روحانی کاملاً طبیعی و قابل انتظار بود.

صحبت‌های آقای روحانی در تبلیغات انتخاباتی‌اش کاری کرده بود که وقتی محمدجواد ظریف و عباس عراقچی در اولین جلسات مذاکرات‌شان با ۱+۵ از عدم تأثیر تحریم‌ها بر ایران می‌گفتند، هیچ‌کس در تیم مذاکره‌کنندگان غربی حرف آنها را جدی نمی‌گرفت. «وندی شرمین» معاون سیاسی وقت وزیر خارجه آمریکا و یکی از مذاکره‌کنندگان ارشد آمریکایی درباره اولین جلسات مذاکراتی با دیپلمات‌های آقای روحانی می‌نویسد: «تیم مذاکره‌کننده ایران مدعی شدند که تحریم‌ها به آنها آسیبی نرسانده است. این ادعای پوچی بود، ولی برای حفظ غرورشان ضروری بود.»

اظهارات و اقدامات نسجیده آقای روحانی و دولتمردانش حین تبلیغات انتخاباتی و در اولین هفته‌های پس از پیروزی در انتخابات تا جایی بود که تنها دو ماه پس از آغاز کارشان، در ۱۲ مهر ۱۳۹۲ تحلیل‌گر رادیو دولتی فرانسه را به چنین تصویری از ایران رساند: «ارزیابی غرب از وضعیت کنونی جمهوری اسلامی، تعامل با فروشنده بدهکار و مشتاقی است که در نتیجه افزایش تعهدات مالی، خود را ناگزیر از فروش حقوق ملی می‌بیند. بر پایه این جمع‌بندی، صبوری خریدار، وضعیت فروشنده را دشوارتر و قیمت فروش را کمتر خواهد کرد.»

یکی از عبرت‌های انتخابات ۱۳۹۲ این بود که جای نقد و بررسی سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی در فضای عمومی، میان تبلیغات نامزدهای انتخاباتی و مقابل چشم میلیون‌ها ناظر داخلی و خارجی نیست! این سیاست‌ها می‌تواند قابل تغییر، نقد و بهینه‌سازی باشد اما صرفاً در جلسات تخصصی، با حضور کارشناسان و با رویکردی ملی و فراجناحی می‌شود آنها را بازنگری و تغییرات احتمالی را توسط نهادهای بالادستی در سیاست‌گذاری‌ها اعمال کرد. حالا در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ ما در موقعیتی مشابه قرار داریم. برخی نامزدهای انتخاباتی سیاست‌های کلان در حوزه روابط خارجی را دست‌مایه تبلیغات انتخاباتی خود کرده‌اند؛ آیا ما از تجربه تلخ انتخابات ۱۳۹۲ درس گرفته‌ایم؟ اکتبر ۲۰۲۰ وقتی اولین مناظره انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا میان ترامپ و بایدن به مشاجره‌ای برای زیر سؤال بردن سیاست‌ها و موقعیت آمریکا تبدیل شد؛ نهادهای تصمیم‌ساز آمریکایی مناظره دوم را لغو و سومین مناظره انتخاباتی را نیز با محدودیت در موضوعات مورد بحث برگزار کردند.

کشاندن «مسئله تحریم‌ها و مشروط کردن پیشرفت کشور به رفع آن» در تبلیغات انتخاباتی نامزدها از همین منظر خطاست. حتی اگر نامزد مورد نظر عمیقاً به چنین گزاره‌ای باور داشته باشد؛ با ایجاد کارزار تبلیغات انتخاباتی‌اش حول آن، هزینه رفع تحریم‌ها را برای ایران در مذاکرات احتمالی بالا برده است. اما فراتر از این، نامزدی که «گشایش اقتصادی» را به «حل مسئله تحریم» گره می‌زند، ذهن و تحلیلی مرتجعانه دارد که می‌تواند کفایت سیاسی‌اش را زیر سؤال ببرد. او با طرح این «روش منسوخ» و «تکراری» نشان می‌دهد افق و ارتفاع دیدش کوتاه و با معادلات امروز جهان و نظم نوظهور آن بیگانه است.

شاید تا سه یا چهار سال پیش «دور زدن تحریم‌ها» عبارتی هزینه‌ساز در ادبیات سیاسی و اقتصادی ایران بود که منجر به متلک‌های جریان غربگرا می‌شد اما امروز شمار قابل توجهی از کشورها و دولت‌ها با حجم بالایی از داد و ستد، مشغول «دور زدن تحریم‌ها»ی آمریکا و متحدانش هستند. به بیان بهتر ما دیگر با «دور زدن تحریم‌ها» مواجه نیستیم بلکه با شبکه‌ای از تعاملات تجاری مستقل از سازوکارهای آمریکایی مواجهیم که در حال شکل دادن به یک اقتصاد در سایه هستند. آمریکا با به‌کارگیری بی‌رویه «ابزار تحریم» و سوءاستفاده از «دلار» و نظامات اقتصادی مبتنی بر آن به عنوان اسلحه جنگ‌های تجاری‌اش علیه رقیبان، ناخواسته اصلی‌ترین عامل ایجاد این اقتصاد سایه در جهان است. ۳۰ می ۲۰۲۴ (۱۰ خرداد ۱۴۰۳) روزنامه آمریکایی وال‌استریت ژورنال در همین زمینه نوشت: «اکنون بلوک کشورهای تحریم شده در مجموع از مزیت مقیاسی که بتواند از آنها در برابر جنگ اقتصادی واشنگتن محافظت کند، برخوردار شده‌اند و در حال تجارت با یکدیگر در تمام زمینه‌ها از پهباد و موشک گرفته تا طلا و نفت هستند.»

سیاست‌های واشنگتن به نحوی بلوک کشورهای تحریم شده را با یکدیگر همسو کرده که اکنون شاید بتوان گفت آنها مشغول پایه‌گذاری زیرساختی اقتصادی برای نظم آینده جهان بدون محوریت آمریکا هستند. در چنین شرایطی «مسئله تحریم» دیگر موضوعیت ندارد و نامزدی که به جای تقویت و گسترش این زیرساخت اقتصادی نوپا در جهان به فکر ایده تاریخ گذشته و شکست‌خورده «رفع تحریم با مذاکره» و وزن‌دهی به ساز و کارهای تجاری آمریکا محور باشد؛ در صورت پیروزی با تضعیف جایگاه ایران در نظم نوظهور بین‌المللی، خسارتی جبران‌ناپذیر به کشور خواهد زد. تجربه موفق دولت شهید آیت‌الله رئیسی اکنون پیش چشمان ماست. در حالی که دولتمردان قبل با طلسم نحس برجام، کشور را متوقف کرده بودند؛ دولت سیزدهم به ریاست سید ابراهیم رئیسی توانست کلیشه‌های ایجاد شده توسط آن دولت را بشکند. از نظر آنها بدون مذاکرات و توافق با آمریکا فروش نفت امکان‌پذیر نبود. بیژن زنگنه، وزیر وقت نفت ۲۸ خرداد ۱۳۹۸ گفت: «هیچ نفتی نمی‌توانیم بفروشیم، حتی اگر بفروشیم، پولش را نمی‌توانیم بیاوریم.» حدود یک سال بعد محمدباقر نوبخت، معاون رئیس‌جمهور وقت و رئیس سازمان برنامه و بودجه همین ادعا را با بیانی دیگر تکرار کرد: «این بی‌انصاف‌ها و دژخیمان حتی برای غذا و دارو اجازه فروش یک قطره نفت را نمی‌دهند و اگر هم به فروش می‌رسد، امکان تبادل مالی نباشد.» اما دولت سیزدهم بدون توافق با آمریکا توانست رکوردهای تازه‌ای در فروش و تولید نفت به ثبت برساند. ۱۸ آوریل ۲۰۲۴ (۳۰ فروردین ۱۴۰۳) روزنامه آمریکایی فایننشال تایمز در گزارشی اعلام کرد که ایران با شکستن رکورد ۶ سال گذشته روزانه بیش از یک میلیون و پانصد هزار بشکه نفت صادر می‌کند که درآمدی بیش از ۳۶ میلیارد دلار در سال را برای کشور رقم زده است. تولید نفت ایران نیز در دولت سیزدهم با جهشی فوق‌العاده به ۳.۶ میلیون بشکه در روز رسید.

آقای روحانی در دوران ریاست‌جمهوری خود ارتباط با همسایگان و دیگر کشورها و عقد قراردادهای تجاری با آنها را نیز بدون توافق با آمریکا و کشورهای غربی ممکن نمی‌دانست. فاجعه سیاست خارجی در دولت‌های موسوم به تدبیر و امید(!) تا حدی بود که در تقویم ۸ ساله دولت‌های یازدهم و دوازدهم تنها یک سفر به عراق توسط رئیس‌جمهور ثبت شد، رئیس‌جمهور یک بار به عمان رفت، آقای روحانی هیچ سفری به کشورهای حاشیه خلیج فارس نداشت. او هیچ سفر دوجانبه‌ای به تاجیکستان و قرقیزستان و پاکستان نداشت. رؤسای جمهور ترکمنستان و قزاقستان تنها یک بار در دولت اول آقای روحانی به ایران آمدند و طی سال‌های پس از آن دیگر به ایران دعوت نشدند؛ اتفاقی که برای رؤسای جمهور ونزوئلا و نیکاراگوئه هم رخ داد. سفر رئیس‌جمهور چین و هیئت عالی‌رتبه همراهش به تهران با برخورد سرد دولتمردان تدبیر به یک ناامیدی محض تبدیل شد و در مجموع کار به جایی رسید که حتی حامیان آقای روحانی هم‌زمان به انتقاد گشودند: «ما تعارف نداریم در دولت روحانی، بدترین سطح روابط را با کشورهای منطقه و همسایه داشتیم که در دولت احمدی‌نژاد نداشتیم. این یک واقعیت است.»

در مقایسه اما آیت‌الله رئیسی تنها در ۸ ماه ابتدای دوران ریاست‌جمهوری‌اش به روسیه، قطر و عمان سفر کرد؛ روسای جمهور ونزوئلا، ترکمنستان و قزاقستان را پس از حدود ۶ سال و رئیس‌جمهور تاجیکستان را پس از ۹ سال در ایران پذیرا شد و با حضور هیئت‌های عالی‌رتبه کشورهای دیگر مانند پاکستان و ارمنستان در تهران نشان داد آن طور که وعده داده بود گسترش روابط با دوستان و همسایگان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی دولت سیزدهم است. آقای رئیسی در عمر سه ساله دولت خود در ادامه به چین، سوریه، اندونزی، ونزوئلا، نیکاراگوئه، کوبا، کنیا، اوگاندا، زیمبابوه، آفریقای جنوبی، عربستان، ترکیه، الجزایر، پاکستان و سریلانکا نیز سفر کرد و ارتباط ایران را با این کشورها تقویت و بعضاً احیا کرد. روابط معناداری که منجر به تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای دوجانبه و چندجانبه و در نتیجه تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر فشارهای اقتصادی غرب و خنثی‌سازی تحریم‌ها می‌شد.

فهرست بلند موفقیت‌های دولت کوتاه سیزدهم سندی گویاست که ثابت می‌کند مسیر پیشرفت و توسعه ایران بدون توجه به تحریم‌ها و با فرض دائمی بودن آنها بسیار دست‌یافتنی و واقع‌بینانه‌تر از مسیری است که در آن چشم به دستان غرب دوخته‌اند و به میز مذاکرات و توافق با آمریکا امید بسته‌اند. کسانی که در انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌رو به دنبال اولویت دادن به مسئله تحریم‌ها برای گشایش اقتصادی هستند سال‌هاست که از تحولات روز ایران و جهان عقب مانده‌اند.